

خلق‌های قهرمان ایران

میهن ما روزهای دشواری را می‌گذراند اکنون شش ماه پس از سرنگونی رژیم جنایتکار شاه و درهم شکستن دستگاه اهریمنی ساواک نه‌تنها طبقات محروم و ستمدیده خلق هنوز نشانی از بهروزی و شادگامی به‌چشم خویش ندیده‌اند، نه‌تنها امید و آرزوی آزادیخواهان و انقلابیون خلق و همه خونهایی که از آنها ریخته شد در بوته فراموشی افتاده است، بلکه یک‌جنگ کور و غیر عادلانه را نیز برخلق قهرمان کرد خلقی که بی‌شک زبنده نام قهرمان خلقهای ایران است، تحمیل کرده‌اند.

آنان که به‌تازگی به‌قدرت رسیده‌اند با تنگ‌نظری، انحصارطلبی، برتری‌جویی، ندانم‌کاری و محاسبات غیر واقعی و خیالی‌خود جنگی شوم، ناخواسته و خانمان‌برانداز را در بخشی از میهن ما شعله‌ور ساخته‌اند. جنگی که بی‌تردید طی آن خون بسیاری از هموطنان زحمتکش ما به‌زمین ریخته خواهد شد که متأسفانه هر قطره‌اش آتش کینه و عداوت کور و بدفرجامی را که امپریالیسم زخم خورده می‌کوشد در میان خلقهای ایران به‌پاکندتیزتر می‌کند.

آنان که امروز، از قضاوتی عادلانه درباره طرفهای درگیر درجنگ

کردستان طفره می‌روند، آنان که امروز دانسته یا ندانسته نخم کینه و نفرت از خلق کرد و انقلابیون و مبارزین خلق کرد را در دل سایر خلقهای ایران می‌باشند و آنانکه امروز به هر دلیلی که باشد از بیان حقایق درباره کردستان خودداری می‌کنند، بی‌گمان فردا در برابر همه این فجایعی که رخ می‌دهد در برابر خلقهای محروم ستمکش ایران و در برابر تاریخ مسئول هستند و باید پاسخگو باشند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، بنا بر سرشت خود و از آنجا که صداقت انقلابی را گرامی‌ترین خصلت هر نیروی انقلابی می‌شمارد، نمی‌تواند و نباید برای جلب حسن نظر آنان که اشتباه می‌کنند و اشتباهشان به قیمت خون هزاران هم‌میهن ما تمام می‌شود و یا به خاطر مصون ماندن از سپاشی مفرضینی که آگاهانه در خدمت اهداف امپریالیسم درآمده‌اند و تنها به فکر التیام زخمهای او و بازگرداندن اوضاع به حال سابقند از بازگو کردن حقایق برای مردم میهن خویش چشم ببوشد.

وقتی ما از وظایف انقلابی خود که بازگو کردن حقایق برای مردم است سخن می‌گوئیم، وقتی به حکم صداقت انقلابی و علیرغم سیاست - بازی دستگاههای تبلیغاتی می‌کوشیم مردم را از واقعیت هر آنچه در میهنشان می‌گذرد آگاه کنیم ما را متهم می‌کنند که یک مشت جوان احساساتی و سی‌ساله هستیم که خیال می‌کنیم قیم همه مردمیم.

فدائیان خلق واقعا " همان جوانان پرشور و شوقی هستند که اقتضای می‌کنند روی پای خود برخاسته‌اند و پیکاری بی‌امان و آشتی‌ناپذیر را با تمام مظاهر ستم ملی و طبقاتی آغاز کرده‌اند. جوانانی هستند که بنا بر جوهر خود در برابر هر ظلم و ستمی که روا می‌شود و در هر کجا که حق‌کشی و زور گوئی باشد، هر جا که دروغ و نیرنگ و فریب مردم، چه در کارخانه چه در مزرعه، چه در ارتش و چه در کردستان و هر جای دیگر، پا گذاشته باشد به اعتراض بر می‌خیزد. فدائیان خلقند و هرگز از آرمان خلق دست

نخواهند کشید . همه هستی ما از آن خلق ما است و راه ما راه خلق است . کسی که راه حق و حقیقت را پیش گرفته است ، کسی که از مظلومان ، از ستمدیدگان ، از کارگران و دهقانان دفاع می کند بی تردید مورد طعن و لعن قرار می گیرد و هزاران افترا را به جان خواهد خرید . راست گوئی و حقیقت جوئی و دفاع از حق محرومان بدون شک صاحبان قدرت را به خشم می آورد . آنانکه درد و رنج مردم و مسببین واقعی آن را فاش و برملا می سازند بی شک دشنامهای بسیاری را به جان خواهند خرید .

ولی قدرت ما را هرگز از راه به در نبرده است . طعم تکیه بر کرسی قدرت نیست که ما را به میدان پیکارهای بی امان کشانیده است . این درد و رنج توده ها است که محرک ما است . این عشق و ایمان ما به آرمان شکوهمندمان یعنی رهائی توده ها است که ما را به میدان کشیده است .

فدائیان هرگز در پی به دست آوردن نام و آوازه فدائی نبوده اند . ما شهرت طلب نیستیم ، شهرت ما در شهادت ماست و نام هر فدائی خلق تنها پس از شهادت او بر سنگ قبرش (چنانچه یافت شود) حک خواهد شد . ما قیم خلق نیستیم ، ما فدائی خلقیم و هرگز جانب خلق را رها نکرده و آرمانی جز رهائی خلق از قید همه مظاهر ستم ملی و طبقاتی در سر نداریم . باشد که آفتاب حقیقت به در آید و خلق خود قضاوت کند که دوستدار واقعی وی کیست بی گمان چنین روزی خیلی دور نیست .

چه کسانی در کردستان ضد انقلابی اند؟

سرکوب بی رحمانه خلق کرد و گسترش ابعاد جنگ در پاوه و سایر نقاط کردستان که تاکنون به گذشته شدن چند صدتن از مردم ستمدیده کردانجامیده است بار دیگر خاطرات فجایع شوم رژیم گذشته را در اذهان مردم زنده کرده است . اکنون این سؤال برای مردم مطرح است که به راستی چه کسانی در کردستان توطئه و جنگ افروزی می کنند و چه کسانی ضد انقلابی اند؟

از آنجا که در شرایط حساس کنونی رویدادهای کردستان تاثر به سزائی در سیر حوادث و رویدادهای سراسر ایران دارد، ما وظیفه خود می‌دانیم موضع خود را درباره مسائل و اوضاع کردستان برای مردم مبارز ایران توضیح دهیم.

ما در این تحلیل نشان خواهیم داد که انقلاب و ضد انقلاب در کردستان کیست و چگونه معنای آن از جانب برخی نیروها تحریف و واژگون نشان داده شده است. ما نشان خواهیم داد، چگونه کوشش می‌شود مبارزات حق‌طلبانه خلق‌کرد و نیروهای انقلابی منطقه را خدشه‌دار سازند و به این ترتیب جو مساعدی برای اجرای توطئه امپریالیسم که سرکوب همه‌جانبه خلق کرد و پراکندن تخم کینه و نفاق بین خلقهای قهرمان میهن ماست، فراهم آورند. در میان خلقهای مبارز ایران، خلق کرد از ویژگی مبارزاتی خاصی برخوردار بوده است و به خاطر مبارزات پی‌گیر و مداومش بیش از هر خلق دیگری مورد سرکوب قرار گرفته است. ستم ملی و طبقاتی همراه با سرکوب پلیسی و نظامی با شدت هرچه تمامتر در کردستان اعمال می‌شد. بدین ترتیب این خلق محروم از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی در عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی نگاه داشته شد و بقایای پوسیده نظام فئودالی همچنان موجودیت خود را به عنوان پایگاه اصلی ارتجاع در منطقه حفظ نمود. رژیم ضد خلقی سابق با انجام اصلاحات ارضی فرمایشی راه رشد سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را در میهن ما هموار نمود. اما از آنجا که در کردستان با مبارزات مداوم توده‌های زحمتکش روبرو بود، جهت سرکوب توده‌ها علاوه بر ارتش، ژاندارمری، پلیس، ساواک و... به فئودالها و مرتجعین محلی نیز تکیه داشت و از آنها به عنوان عوامل مرتجع و نفاق‌افکن علیه جنبش خلق کرد استفاده می‌نمود و این باعث دوام موجودیت فئودالها و ایادی آنها

سر بردستان تردید، بدین لحاظ صف صد انقلاب در ددسه عبار بود ار رژیم سابق و تمامی ارگانهای سرکوبگر ضد خلقی اش به اضافه خان ها، فئودالها و ایادی مزدور و مرتجع آنها، در صف انقلاب نیروهای انقلابی، توده های محروم دهقانان، کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، کسبه، پیشه‌وران و دیگر اقشار خلق جای داشتند.

با اوج گیری مبارزات آزادی بخش مردم، خلق کرد که در سقوط رژیم وابسته به امپریالیسم پیروزی مبارزه تاریخی خود و سایر خلقهای ستم دیده ایران را می دید فعالانه در آن شرکت نمود و در جریان قیام نقش شایان توجهی ایفا کرد آنها همچون سایر مردم میهن ما در اعتصابات، تظاهرات و نبردهای مسلحانه شرکت نمودند و دژهای ارتجاع را یکی پس از دیگری در منطقه فتح کردند. دهها پاسگاه ژاندارمری توسط دهقانان ستم دیده کردستان خلع سلاح شد و در شهرها نیز مراکز ستم و سرکوب توسط مردم به پا خاسته درهم کوبیده شد و سلاحهای آن به نفع خلق مصادره شد.

خلق کرد می اندیشید که در ایران آزاد شده به آرمانها و خواسته های عادلانه ای که سالها به خاطرش جنگیده و شهدای بسیار داده است خواهد رسید و حاکمیت جدید، حقوق ملی این خلق ستم دیده را در چهارچوب ایران آزاد به رسمیت خواهد شناخت. اما از آنجائی که حاکمیت بنا به ماهیت طبقاتی اش جریان مبارزات ضد امپریالیستی مردم را در نیمه راه متوقف نمود، تحقق خواسته های خلق کرد را نیز همانند خلقهای دیگر غیر ممکن ساخت و اوضاع به گونه ای سیر نمود که صف بندی جدیدی از نیروهای انقلاب و ضد انقلاب را در منطقه پدید آورد.

در یک طرف توده هایی قرار داشتند که خود را آزاد شده احساس می کردند در طرف دیگر عوامل مزدور و سرسپرده رژیم سابق بودند که پایه های قدرتشان در منطقه تا حدود زیادی دست نخورده باقی مانده بود و امکانات کافی نیز در اختیار داشتند. آنها تلاش نمودند تا با ایجاد اتحادیه های فئودالی و اجیر کردن مزدوران مسلح و بیرون راندن دهقانان

از زمین‌ها و گرفتن باج و خراج از آنها قدرت ارتجاعی خود را در منطقه تثبیت کنند. مسلماً دهقانان و زحمتکشان کردستان در مقابل تهاجم فئودالها و خان‌ها ساکت نمی‌ماندند و مسلحانه از زمین و کاشانه خود دفاع می‌کردند و اساساً بر محور همین مسئله بسیار حیاتی، یعنی حفظ زمین و دفاع از روستاها بود که ضرورت تشکیل شوراهای دهقانی در کردستان نیز پیش آمد.

در بسیاری از نقاط دهقانان جهت دفاع از منافع خویش در شوراها و اتحادیه‌های دهقانی متشکل شدند. فئودالها نیز پس از متشکل شدن بارها و بارها به روستاها حمله کردند و دهقانان بسیاری را از زمینهایشان بیرون راندند و با تکیه بر مزدوران مسلح خود به تهدید و ارباب مردم دست زدند. چنانکه نمونه‌های این اعمال جنایتکارانه را در جریان بیرون راندن دهقانان ترگور و مرگور و سوما برادوست و شاپور شاهد بودیم این دهقانان آواره پس از چندین روز تحصن در ارومیه بدون اینکه به خواستهای آنان پاسخی داده شده باشد پراکنده شدند. پس از آن تهاجم گسترده فئودالها و مرتجعین محلی علیه دهقانان و زحمتکشان بخصوص در شمال کردستان، با حمایت آشکار کمیته‌های انقلاب در ارومیه به سرپرستی روحانی‌نمای مرتجع، ملاحسنی آغاز شد و آنها روز به روز بر تحریکات و تجاوزات خود افزودند. ما در تمام درگیری‌ها و تحریکات ضد انقلابی شاهد نقش فعال فئودالها و سایر مرتجعین و مزدوران محلی بوده و هستیم. آنچه در سنج اتفاق افتاد و در نرده و مریوان، پاوه و سایر نقاط تکرار شد عمدتاً ناشی از تحریکات این نیروهای ضد انقلابی است. در چنین شرایطی است که ارتش و سپاه پاسداران با اعزام توپ و تانک، هواپیما و فانتوم در کنار این نیروهای مرتجع قرار گرفته و نیروهای سرکوبگر خود را برای قتل عام زحمتکشان

ستمیدیده خلق کرد گسیل داشته است .

بدین لحاظ حاکمیت جدید ، با اتخاذ چنین مواضعی در برابر خلقها و خواسته‌های آنها نتوانسته‌است در میان زحمتکشان این خلقها پایگاهی به دست آورد و در مقابل آنها قرار گرفت . حوادث نرده ، مریوان و اکنون‌پاوه در سراسر کردستان نشان می‌دهد که توده مردم کرد اعتمادی به سیاست نیروهای حاکم ندارند و این واقعیتی است که نادیده انگاشتن آن عامل اصلی توسل به راه حل نظامی و لشکرکشی به کردستان است . این واقعیتی است که اکنون در کردستان جریان دارد و هیچگونه تبلیغاتی نمی‌تواند حقایق را از چشم توده‌های کردستان که خود عملاً " با آن روبرو هستند پوشیده دارد .

این روزها در هر گوشه از ایران می‌شنویم که مبارزه وسیعی را علیه حزب دموکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی خلق کرد سازمان داده‌اند . هسته اصلی این مبارزه جدا کردن خلق کرد از حزب دموکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی و مبارز آنست . این روزها اینطور تبلیغ می‌شود که گویا آراء مردم به سود حزب دموکرات در انتخابات مجلس خبرگان نتیجه تحمیل و فشار اسلحه بوده است و دهقانان کرد هیچکدام حزب دموکرات را قبول ندارند . ما معتقدیم ادامه همین سیاست و همین تبلیغات است که راه حل سیاسی مسئله کردستان را به راه حل نظامی کشانیده است . آنان که چنین تصور می‌کنند بهتر است به کردستان بروند و از نزدیک واقعیت را به چشم خود ببینند اگر از آراء خلق کرد می‌پرسید آنها راء خود را به حزب دموکرات کردستان دادند و اگر نظر خلق کرد را در مورد نمایندگانش محترم نمی‌شمارید ، آن مسئله‌های دیگر است . چنانچه واقع بین باشیم ، چنانچه به حقایق گردن نهیم باید بپذیریم که توده خلق کرد به سازمانهای انقلابی خود اعتقاد دارند و آنان را نماینده خود می‌شمارند . به اعتقاد ما نتیجه پنهان کردن این واقعیت و هر نوع بی توجهی به مسئله ، هموار کردن راه برای جنگ بی فرجام داخلی است . چنانچه

اساساً معتقد باشند که سازمانهای سیاسی خلق کرد نماینده، خلق کرد نیستند چگونه خواهیم توانست از طریق مذاکرات و طرق سیاسی و نه نظامی مسئله کردستان را حل کنیم؟ آیا این خود جنگ طلبی نیست؟ آیا این سیاست به بهای خون صدها و هزاران جوان هموطن ما تمام نخواهد شد؟ خلق کرد هیچگاه در طول تمام دوران مبارزات سالهای اخیر خود این چنین مورد یورش و کشتار واقع نشده بود که امروز می شود و این عواقب بسیار شومی برای کسانی خواهد داشت که می کوشند با جعل حقایق و فریب توده ها آنها را به درگیری و رویارویی با یکدیگر بکشانند. آنها امروز علیه خلق کرد دست به همان کشتاری می زنند که رژیم سابق می زد. همان تبلیغاتی را به راه می اندازند که رژیم قبلی به راه می انداخت و همان عبارات و کلماتی را به کار می گیرند که آن رژیم به کار می گرفت.

اگر راه حل نظامی و سرکوب شدید خلق کرد و سایر خلقهای توانست چاره کار باشد مسلماً "مدتها قبل نتیجه داده بود."

امروز در کردستان از ضد انقلاب با هویتی مشخص نام برده می شود و عناصر و نیروهای مشخص را به نام مفسد و ضد انقلابی معرفی می کنند. ما می گوئیم خلق کرد خود بهترین مرجع برای تشخیص انقلاب و ضد انقلاب است. خلق کرد در مورد ضد انقلاب در منطقه می گوید:

ضد انقلاب عبارت است از خانها و فئودالها و بقایای مزدوران رژیم سابق (پالیزبان و سالارجاف وغیره) و سایر مرتجعین محلی. کسانی که با خواسته های حق طلبانه، خلق کرد به مخالفت برخاسته و در راه تحقق آن اخلال می کنند. آنها می گویند تمام کسانی را که از این نیروها حمایت کنند و یا جنایات آنها را علیه خلق کرد با سکوتی رضایت آمیز نظاره کنند انقلابی نمی دانیم.

خلق کرد می گوید:

ما خواستار خود مختاری در چارچوب ایران آزاد و دموکراتیک هستیم و این امر تحقق نخواهد یافت مگر با سرکوب و نابودی تمامی فئودالهای

چپاولگر و مرتجعین محلی و پیشبرد قاطعانه مبارزه ضد امپریالیستی وضد سرمایه‌داری وابسته، تنها از این طریق است که خلق کرد شکوفائی خود را باز خواهد یافت. بدون تاءمین این خواستها وحدت واقعی میان خلقهای ستمدیده ایران تحقق نخواهد یافت.

چرا با لشکر کشی نظامی به کردستان مخالفیم؟

زیرا پذیرش راه حل نظامی در کردستان تسلیم شدن به توطئه‌های امپریالیسم است. زیرا آنها عزم خود را جزم کرده‌اند تا به هر وسیله که شده در کردستان یک جنگ ناخواسته را به مردم تحمیل کنند. امپریالیسم و ارتجاع می‌کوشند به وسیله جنگ محیط ترور و ارباب به وجود آورند و در پناه آن خلقهای مبارز میهنمان و سازمانهای مترقی و انقلابی یعنی محکم‌ترین سنگر خلق در برابر امپریالیسم و ارتجاع را از پیش پای خود بردارند.

جنگ در کردستان اکنون حربهای است برای تیز کردن چاقوی امپریالیسم که بر اثر قیام مردم کند و از کار افتاده شده بود. جنگ در کردستان حربهای است برای تحریک مردم ناآگاه علیه هرگونه آزادی‌خواهی و حق‌طلبی. آیا آنان که در کردستان جنگ افروزی می‌کنند و از راه حل نظامی برای سرکوب خلق کرد دفاع می‌کنند به سرانجام این جنگ اندیشیده‌اند؟ واقعیات نشان می‌دهد که با توپ و تانک هواپیما و بمباران کردستان نه تنها کاری از پیش نخواهد رفت بلکه مسئله خلقها به بن‌بست می‌کشاند و یک جنگ ناخواسته و برادر کشی را به مردم میهنمان تحمیل می‌نماید. جنگی که تنها امپریالیسم و عوامل وابسته‌اش سود خواهند برد.

متأسفانه در این میان برخی عناصر ملی و سازمانهای آزادیخواه و ضد فاشیست هم مرعوب این موج تهاجم به کردستان شده‌اند و می‌ترسند با محکوم کردن راه حل نظامی و حمله به کردستان به اتهامات گوناگون

متهم شوند. حال آنکه تمام تجربیات تاریخی نشان می‌دهد که موج فاشیسم ابتدا نیروهای سازشکار، میانه، آزادیخواه و دمکرات را مرعوب و بی‌طرف می‌سازد تا به سرکوب سازمانهای انقلابی پیشرو بپردازد و چنانچه موفق شود این نیروهای راستین انقلاب را به مسلخ بفرستد. سازمانها و عناصر محافظه‌کار و لیبرال را همچون قربانیان بی‌آزاری خانه‌نشین و در صورت اعتراض به راحتی سرکوب خواهد کرد.

ما اعزام تانک و توپ و بمب افکن به کردستان را تحقق آرزوی امپریا-لیسم می‌دانیم و از هم‌اکنون هجوم به کردستان را چیزی جز یک پیروزی برای امپریالیسم به‌شمار نمی‌آوریم. اعزام عناصر ضد انقلابی و سر-سپردگان و مرتجعین شناخته شده‌ای چون چمران‌ها و فلاحی‌ها به منطقه و تلاش برای قهرمان ساختن از آنان که سوابقی ننگین در خدمت به امپریا-لیسم و صهیونیسم دارند اهداف ضد خلقی لشکر کشی به کردستان و راه حل نظامی را به‌خوبی نمایان ساخته است. پرونده توطئه‌گری‌های مصطفی چمران علیه جنبش مقاومت فلسطین و نیروهای مترقی لبنان هیچگاه بسته نخواهد شد و نقش جنایتکارانه او در کمک به محاصره تل‌زعترا و سقوط آن همواره در یاد انقلابیون سراسر جهان زنده خواهد ماند.

ما می‌پرسیم .

چرا به‌عوض برآوردن خواسته‌های به‌حق و عادلانه خلق کرد باردیگر همچون گذشته‌راه سرکوب خونین دهقانان و زحمتکشان را برگزیده‌اند؟ کردستان سرزمین دشمن نیست که بمباران کنند. کردستان جزئی از میهن ما است. خلق کرد طی بیش از نیم قرن حکومت فاسد پهلوی بیش از همه خلقهای ایران فقر و ستم و سرکوب را متحمل شده‌است و چنانچه صادقانه فکر کنیم و همه تنگ‌نظری‌ها را به‌کناری نهیم، بی‌گمان درخواهیم یافت که تا بهین حقوق حقه و رفع ستم مضاعفی که بر خلق کرد روا داشته شده، حق مسلم این خلق و مورد پشتیبانی همه نیروهای مبارز و انقلابی است.

به دلائلی که برشمردیم ما تائید لشکرکشی به کردستان را تسلیم شدن به توطئه‌های نفاق‌افکنانه امپریالیسم و صهیونیسم می‌دانیم. ما معتقدیم قشون کشتی به کردستان و بمباران دهات و روستاهای آن طرحی است که امپریالیسم راه انداخته تا در پناه آن ساطور قصابیش را که با قیام توده‌های میلیونی مردم کند و از کار افتاده شده بود دوباره صیقل دهد. مرتجعین نیز می‌کوشند در پناه فضای رعب و وحشتی که جنگ ایجاد می‌کند همه سازمانهای انقلابی و پیشرو را، همه ترقیخواهان را تحت عنوان خرابکار، اشرار، ضد انقلاب و مفسد معرفی کرده همه آزادی‌بانی را که با خون هزاران شهید خلق به جنگ آمده است به یغما برند. اعدام‌های فجیع فرهنگیان کرمانشاه و پزشک جراح بیمارستان لقمان‌الدوله ادهم، دکتر رشوند سرداری به اتهام معالجه‌زخمی‌های قربانی توطئه‌امپریالیسم، تنها گوشه‌ای از کوششی است که برای ایجاد محیط ترور و وحشت در سراسر ایران به راه انداخته‌اند. تردید نداریم برنده‌جنگی که اکنون در کردستان به‌راه افتاده است تنها و تنها امپریالیسم امریا و ایادی صهیونیست آن در منطقه خواهد بود.

ما تنها راه حل مسئلهٔ فعلی کردستان را به رسمیت شناختن سازمان‌های سیاسی خلق کرد، قبول موجودیت آنها و تأمین حقوق حقیقی می‌دانیم که در نظام منفور پهلوی از خلق کرد و سایر خلقهای تحت‌ستم ایران دریغ شده‌بود.

نایوب باد توطئه‌های نفاق‌افکنانه امپریالیسم و ارتجاع

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا

پیروز باد مبارزات حق‌طلبانهٔ همهٔ خلقهای ایران

زنده‌باد برادری و وحدت همهٔ خلقهای مبارز ایران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۴ شهریورماه ۵۸